

مقدمه

کشورهای مختلف بر پایه نوع نگاه خود و با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی و راهبردی، به تعیین خط مشی های امور حیاتی خود می پردازند و در این راستا، تلاش می کنند که با استفاده از رسانه ها، افکار عمومی را تغذیه کنند. رسانه ها نیز با توجه به رسالت خود که همانا اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به مردم و ایفای نقش رسایی یا واسطه ای بین حکومت و مردم هستند، در مسیر کار به دلیل ناخوشایندی برخی دست اندرکاران با مشکلاتی مواجه می شوند.

بررسی مقایسه ای قانون مطبوعات ایران و مالزی ضمن شباهت هایی، تفاوت هایی نیز با یکدیگر دارند که در این تحقیق تلاش شده است به آنها پرداخته شود.

ابتدا پیشینه قانون مطبوعات ایران و روند قانونگذاریهای مختلف آن - به همین ترتیب پیشینه قانون مطبوعات و آزادی بیان در مالزی مورد کنکاش قرار گرفته اند و در پایان مقایسه ای بین دو قانون مطبوعات صورت گرفته است.

قانون مطبوعات در ایران

اصلاحیه قانون مطبوعات پس از تنشهای فراوان، سرانجام در مورخ ۱۳۷۹/۱/۳۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و آنگاه مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفت و اینک در نظام حقوقی ما دارای اعتبار و در حال اجرا است.

با تغییرات ریز و درشتی که این اصلاحیه در متن قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ به وجود آورد، ضرورت تهیه متنی دقیق و مستند از قانون جدید انکار ناپذیر است. از سوی دیگر برای افزایش سودمندی این مجموعه، ارایه بستر تاریخی تحول مطبوعات در حقوق ایران نیز لازم و مفید است. با روند تاریخی سیر مطبوعات در ایران، درک انگیزه و خواستهای قانونگذار از تحول مذکور آسان تر و کامل تر خواهد بود.

سیر تاریخی قانون مطبوعات در ایران

قانون مطبوعات در تاریخ قانونگذاری ایران، بحث برانگیزترین متنی بوده است که به تصویب رسیده، تغییر یافته یا اصلاحیه داشته است. هنوز یک قرن از آغاز نهضت قانون نویسی به شیوه جدید آن در کشور ما نمی گذرد و در عین حال دست کم پنج بار "قانون مطبوعات" به کلی از بین رفته و متن جدیدی جایگزین آن گشته است و این غیر از گامهای ناموفق دیگر و نیز اصلاحیه ها و متمم های مکرر است. البته دلیل حساسیت و انگیزه تحولات حقوقی در این حوزه خاص سیاسی اجتماعی و بر خلاف گذشته های نه چندان دور، امروزه اهمیت و جایگاه مهم رسانه ها، از جمله مطبوعات کارکرد و نقش آنها در ساماندهی

و جهت دهی افکار عمومی ، دیگر نیازی به توضیح و تاکید ندارد. اگر زمانی شناخته شدن به عنوان رکن چهارم حاکمیت ، آرزوی دست نیافتنی و دوری برای مطبوعات به شمار می رفت ، امروزه در گوشه و کنار این دنیای پهناور سخن بر سر آن است که چگونه می توان رابطه میان این رکن فعال و سخنگو را با سه رکن دیگر تنظیم کرد تا مطبوعات از رسانه ای سازنده به ابزار تخریب ، تهمت و ناکارآمد نمایی قوای مختلف حاکمیت تبدیل نشوند و با بهره برداری ناشایسته از نفوذ و توان خود امنیت کشور و نظم عمومی را مورد تهدید قرار ندهند.

البته نباید آسیها و آفتهای موجود در حوزه مطبوعات را منحصرآ در حوزه حاکمیت و حقوق عمومی جستجو کرد بلکه رعایت حریم خصوصی شهروندان و حمایت از حقوق آحاد مردم در برابر قدرت روز افزون رسانه ها نیز در جای خود مباحث فراوانی را برانگیخته است .

معضلات پیش گفته نیز نباید ما را از تاثیر مثبت و بسیار مطلوبی که نشریات در جنبه های مختلف زندگی اجتماعی بر جای می گذارند غافل سازد. مطبوعات بطور خلاصه پل ارتباطی میان مردم و حاکمیت است و با انعکاس صادقانه و درست اراده و واقعیتهای موجود در هر دو سو می تواند در تلطیف و تعمیق یک رابطه صمیمی و جلوگیری از سوء تفاهم ها کمک موثر کند.

گذری بر این روند تاریخی ثابت می کند که هیچگاه پرداختن به قانون مطبوعات در فضایی آرام و فارغ از عوامل بیرونی نبوده و سایه سنگین افت و خیزهای اجتماعی بر آن سایه افکنده است . طبیعی است که با چنین شرایطی انتظار قانون فراگیر و کار آمد را نمی توان داشت و از همین رو در اکثر مقررات مطبوعاتی ما ، تکیه اصلی بر تعیین حدود ، تکالیف ، مسئولیتها و مجازاتهاست و کمتر فرصتی برای پرداختن به توانایی ها و امتیازات مطبوعات و روزنامه نگاران پیدا شده است .

نگاهی گذرا به سیر تحولاتی قوانین مطبوعاتی ، شاید بتواند کمکی به حل این مشکل باشد. این بررسی کوتاه به سه مقطع زمانی جداگانه تفکیک شده است

– قبل از انقلاب مشروطیت ، بعداز آن و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و سرانجام پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷.

قانون مطبوعات پیش از مشروطه

قانون از نظر اصطلاحات حقوقی تنها به مقرراتی اطلاق می شود که با گذراندن مراحل خاصی به تصویب قوه مقننه رسیده باشد. بنابراین با توجه به اینکه تا حدود ۷۲ سال پس از انتشار نخستین نشریه یعنی "کاغذ اخبار" در سال ۱۲۵۲ هجری قمری ، در کشور ما چیزی به عنوان "مجلس" وجود نداشت ، باید این مدت را دورانی نامید که نشریات ایرانی بدون داشتن قانون مطبوعات فعالیت می کرده اند.

با وجود این ، فقدان قانون در این مدت را نباید به معنای عدم وجود الزامات حکومتی برای ارباب چراید دانست . از شخص شاه گرفته تا ماموران رسمی دولت در اداره مطبوعات داخلی که در سال ۱۲۸۰ هجری قمری به دستور ناصرالدین شاه در وزارت علوم تشکیل شد و هشت سال بعد به "وزارت مطبوعات" تبدیل گشت و از آنجا تا تدوین "کتابچه قانون جزا" در سال ۱۲۹۶ هجری قمری به دستور ناصرالدین شاه از سوی "کنت دومونت فرت" ایتالیایی همیشه نشانه هایی از توجه جدی حکومت و دولتمردان نسبت به عملکرد چراید وجود داشته است.

البته ، همانطور که از نام این کتابچه پیداست ، هدف اصلی از نگارش آن ایجاد زمینه برای بازبینی و نظارت بیشتر بر مطبوعات و توجه به بعد "جزایی" مساله و جرایم مطبوعاتی بوده است . انتخاب رئیس پلیس تهران (که در ضمن یک تبعه خارجی است) برای این منظور نیز گویای همین برداشت است .

از جمله جرایم و مجازات تعیین شده برای آنها در "کتابچه قانون جزا" می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- "کسی که کتابی انتشار دهد که بر ضد مذهب یا دولت و ملت بوده باشد ، از ۵ ماه الی ۵ سال حبس خواهد شد.

- کسی که جسارت نموده و بر ضد پادشاه اعلانات و نوشته جات در کوچه ها بچسباند ، هر کس بوده باشد و همچنین کسی که مخالف مردم حرکتی کرده و اذیت برساند ، بر حسب تقصیر او ، از یک ماه الی ۵ سال حبس خواهد شد.

- کسی که برخلاف پادشاه یا خانواده سلطنت حرف بزند یا تحریک بد در نظر داشته باشد، بعد از تحقیق و ثبوت از یک سال الی ۵ سال به درجه تقصیرات با زنجیر محبوس خواهد شد.

- کسی که کنکاش و خیالات تحریک بد در حق دولت بکند و یا افترا و تهمت ، تحریرا و تقریرا به دولت بزند ، بعد از ثبوت تقصیر او ، بر حسب حدود تقصیرات از یک سال الی پانزده سال محبوس خواهد شد ."

وضعیت آن روزگار و میزان نگرانی شاه از مطبوعات را در نامه تاییدیه ناصرالدین شاه به روشنی می توان مشاهده کرد. او در فرمانی خطاب به کامران میرزا نایب السلطنه که بخش مهمی از امور نظامی و انتظامی کشور را بر عهده داشت ، نوشت : " این کتابچه قانونی کنت را خواندم . تماما بسیار بقاعده و درست است . یک دو فقره را ما کم و زیاد کردیم . ملاحظه کنید...وزرا هم این کتابچه را امضا کرده بدهند به کنت . او هم بدهد چاپ کرده ، منتشر نمایند و از تاریخ امضای وزرا مشمول اجرای این قوانین بوده ذره ای تخلف نشود. همه این قوانین صحیح (است)

و محل هیچ ایراد نیست و لزوماً ان شاء الله باید مجری شود. همین دستخط را بده کنت ملاحظه نماید. ما قواعد را پسندیده ایم .

قانون مطبوعات از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی

انقلاب مشروطیت در تاریخ معاصر کشور ما حادثه‌ای کم‌نظیر است که پیامدهای مهمی در عرصه‌های مختلف از خود برجای گذاشته است. بی‌تردید، یکی از مهمترین دستاوردهای این خیزش عمومی را باید در آغاز دوران "قانون" گرایي جامعه دانست. در اثر این نهضت بود که فرمان مشروطه در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی به وسیله مظفرالدین شاه صادر شد و به موجب آن برای نخستین بار در کشور ما قوه مقننه‌ای به نام "خانه ملت" بنیان نهاده شد.

تدوین قانون اساسی مشروطیت و متمم آن در سال ۱۳۲۵ گام نخست در تدوین مقررات به شیوه‌ای بود که سالها قبل از آن در ممالک بیگانه معمول شده بود. نویسندگان قانون اساسی مشروطیت در چند مورد با وسعت نظر به مساله مطبوعات نگرستند و در اصل بیستم نیز صراحتاً بر آزادی مطبوعات پای فشردند. این اصل تاکید کرد:

" عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است . هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود ، نشردهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می شود ولی اگر نویسنده ، معروف و مقیم ایران باشد ، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند."

در این قانون اساسی ، همچنین حضور "هیات منصفه" در رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی به رسمیت شناخته شد.

توجه خاص ارکان حکومت به مطبوعات که ناشی از جایگاه و نقش مهم آنان در جامعه بود، از این نکته نیز به خوبی قابل درک است که به رغم التهاب خاص آن برهه زمانی و نیاز شدید کشور به قانون نویسی در زمینه‌های متعدد ، تنها یکسال بعد یعنی پنجم محرم ۱۳۲۶ هجری قمری (۱۸ اسفند ۱۲۸۶ شمسی) شاهد تصویب نخستین "قانون مطبوعات" هستیم و از آن تاریخ است که جامعه مطبوعاتی کشور ما دارای قانون ویژه خود می شود. جالب تر اینکه همین قانون که دارای یک مقدمه ، شش فصل و پنجاه و دو ماده است ، مفصل ترین قانون مطبوعات تا زمان کنونی به شمار می رود . عناوین فصول یادشده چنین است :

فصل اول : چاپخانه و کتابفروش

فصل دوم : طبع کتب

فصل سوم : روزنامهجات مقرر

فصل چهارم : اعلانات

فصل پنجم : حدود تقصیر نسبت به جماعت

فصل ششم : محاکمه

گرچه این قانون تحت تاثیر قانون مطبوعات ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه نگاشته شده و به همین دلیل به جای الزام به اخذ مجوز برای انتشار نشریه ، تسلیم اظهارنامه ای به وزارت انطباعات را کافی دانسته بود اما در موارد دیگر محدودیت های فراوانی را بر مطبوعات تحمیل می کرد. این محدودیت تراشی ها که دلیل آن را قبلا یاد کردیم موجب مقابله شدید مطبوعات و انتقاد از این قانون شد.

با این حال فشارهای پیدا و پنهان به مطبوعات عملا ادامه داشت و در دوره فترت وسعت بیشتری پیدا کرد. مقصود از دوره فترت فاصله ده ساله انحلال مجلس سوم تا گشایش مجلس چهارم است که از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ هجری قمری طول کشید. در همین دوران بود که برای اولین بار انتشار روزنامه ها مشروط به اجازه هیات وزیران شد.

هیات وزیران که محمد علی علا السلطنه صدارت آن را داشت در جلسه مورخ ۱۸ شوال ۱۳۳۵ هجری قمری این تصمیم را چنین اعلام کرد.

"هیات وزرای عظام تصویب فرمودند که از این تاریخ اشخاصی که امتیاز روزنامه از وزارت معارف می خواهند باید اجازه آن به تصویب هیات وزرای عظام رسیده باشد و نیز کلیه امتیازاتی که قبل از تشکیل کابینه حاضر از طرف وزارت معارف داده شده و تاکنون اشاعه نیافته توقیف و موقوف به اجازه هیات وزرا خواهد بود."

پانزده سال پس از تصویب قانون مطبوعات ، مجلس چهارم مشروطه ، دوماده دیگر (متمم) بر قانون مطبوعات افزود. این دو ماده ناظر بر مطالب خلاف دین مبین اسلام بودند. ماده اول ، مطبوعات را ملزم می ساخت که "هر وقت بخواهند در امور مربوط به دین اسلام و مذهب ... چیزی طبع کنند، قبلا به ناظر شرعیات ... مراجعه نمایند". ماده دوم نیز مجازات سرپیچی از این قانون را مشخص می کرد.

این قانون در سال ۱۳۲۱ و در دوره نخست وزیری احمد قوام بار دیگر اصلاح شد. از جمله این اصلاحات ، پیش بینی داشتن " سرمایه علمی و اخلاقی " بود. از آنجا که تصدیق صلاحیت "صاحب امتیاز با مدیر یا سردبیر روزنامه یا مجله " در ماده اول این قانون به عهده شورای عالی فرهنگ گذاشته شده بود ، این اقدام در حقیقت نوعی تایید برای نظام اخذ مجوز به شمار می رود، از این تاریخ تا ۱۵ بهمن سال ۱۳۳۱ که دکتر محمد مصدق نخست وزیر وقت ، قانون جدید مطبوعات را تصویب کرد و به مرحله اجرا نهاد، تغییر

چندانی در قوانین مطبوعاتی مشاهده نمی شود، البته به جز تصمیمات شاهانه یا دخل و تصرف های سلیقه ای و وضع آیین نامه های اجرایی.

با تحول اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور در سالهای مربوط به نخست وزیری دکتر مصدق ، هر کس به دلیلی دگرگونی مقررات مطبوعاتی را ضروری می پنداشت . از این رو ، مصدق که از مجلس هفدهم اختیارات ویژه و از جمله حق وضع قانون را کسب کرده بود، به تدوین و تصویب قانون مطبوعات جدید اقدام کرد. از آنجا که این قانون بر اساس اختیارات ویژه و از طریق قوه مقننه تصویب و اجرا شده است ، آن را اصطلاحاً " لایحه قانون مطبوعات " می نامند.

با اینکه این لایحه قانونی در بخش جرایم مطبوعاتی تفاوت چندانی با قوانین قبلی نداشت ، از جهات دیگر کاملتر به نظر می رسد. از مهمترین مقررات موجود در این لایحه تاکید صریح بر لزوم اخذ مجوز برای انتشار نشریه از وزارت کشور (ماده ۲) و در نظر گرفتن گروهی شبیه به هیات نظارت فعلی (ماده ۵) است . از دیگر ویژگیهای این لایحه قانونی توجه به نقش "سردبیر" در مطبوعات است که براساس آن ، وی نیز باید همان شرایط مدیر و صاحب امتیاز را داشته باشد.(ماده ۷).

به هر حال ، اعتبار این لایحه قانونی چندان نپایید و عمر کوتاه آن با تغییر شرایط سیاسی کشور و کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به پایان رسید. پس از سقوط دولت دکتر مصدق ، طی قانونی که مجلس دوره هجدهم تصویب کرد ، کلیه قوانینی که او با استفاده از اختیارات ویژه اش وضع کرده بود باطل شمرده شد. لایحه قانونی مطبوعات هم از جمله همان قوانین بود.

بدیهی است شرایط پس از کودتا و تصمیم جدی برای محدود سازی فعالیت های مطبوعاتی و سیاسی ، فقدان قانون مطبوعات را بر نمی تابید و به همین جهت کمیسیون ویژه ای متشکل از نمایندگان دو مجلس سنا و شورای ملی مامور تدوین چنین قانونی شدند. در نهایت نتیجه کار این کمیسیون در روز دهم مرداد ۱۳۳۴ به تصویب رسید و بازم به نام " لایحه قانونی " شهرت یافت . همانگونه که انتظار می رفت تفاوت عمده این قانون با آنچه دکتر مصدق تصویب کرده بود ، در بخش جزایی آن بود . به همین دلیل است که "جرم مطبوعاتی " برای اولین بار در این قانون تعریف شد و مصداقها و موارد آن با تفصیل و تنوع بیشتر ذکر گردید. مجازات ها تشدید شد و غیر از موارد پنجگانه ای که در همه قوانین قبلی (و با اقتباس از کتابچه قانونی کنت) تکرار شده بود، انتشار مطلب بر ضد دولت ، مذهب ، شاه و بستگان او و نیز افترا به دولت از جرایم مطبوعاتی و موجب کیفرهای سنگین تلقی شد.

این قانون به رغم تلاشهایی که دولتهای کوتاه مدت جمشید آموزگار و جعفر شریف امامی در اواخر دوران سلطنت پهلوی برای تصویب لوایح جدید در مجلس از خود نشان دادند، تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی به حیات حقوقی خود ادامه داد.

قانون مطبوعات پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، نقطه عطفی در تاریخ این ملت و حاصل قرنهای تلاش و مبارزه آنان با استبداد و خودکامگی حاکمان دون مایه و وابسته به بیگانه به شمار می رود. با استقرار نظام اسلامی، تمام بنیادهای وابستگی فرو ریخت و همگان از جمله روزنامه نگاران، فرصت یافتند دوران جدیدی را تجربه کنند. طبیعی است که اهمیت مطبوعات و فقدان ساختارهای حقوقی لازم از یک سو و شکل گیری انواع توطئه های شیطانی از سوی دیگر اجازه نمی داد به انتظار تدوین قانون اساسی و تشکیل قوه مقننه نشست. از این رو، تنها شش ماه پس از پیروزی انقلاب، در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ نخستین مقررات مطبوعاتی در نظام جدید به تصویب شورای انقلاب رسید. این مقررات نیز به همین جهت اصطلاحاً "لایحه قانونی مطبوعات" نامیده می شود.

با نیم نگاهی به این لایحه قانونی، تاثیر شرایط جدید و انقلابی، همچنین شتابزدگی در تدوین آن به خوبی مشهود است. ممنوعیت مقامات حکومت پیشین از انتشار نشریه، تکمیل اعضای هیات نظارت بر مطبوعات، جرم شناختن سانسور و تعیین مجازات برای آن، به رسمیت شناختن تشکل های صنفی روزنامه نگاری و بالاخره توجه به "هیات منصفه" و نحوه انتخاب آن برای حضور در دادرسی های مطبوعاتی از ویژگیهای اساسی این مصوبه به شمار می رود.

پس از این تاریخ است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به تصویب می رسد و در اصول متعددی به دفاع از حیثیت و رسالت مطبوعات، آزادی بیان و چگونگی محاکمات مطبوعاتی تصریح می شود. با توجه به این اصول است که تشکیل مجلس شورای اسلامی نوید بخش تصویب قانونی جدید و کامل در این زمینه شد. اما تحمیل نبردی بی امان و همه جانبه که همه چیز را تحت تاثیر خود قرار می داد، تحقق این آرزوی دیرین را دشوار ساخت.

به همین جهت آخرین قانون مطبوعات که در اسفندماه سال ۱۳۶۴ و در اوضاع و شرایط یاد شده و همزمان با اوج گیری شرایط بحرانی کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، به رغم نکات مثبت و قابل توجه، دارای نقایص و آشفتگی هایی نیز هست که بازنگری در آن را اجتناب ناپذیر می سازد.

این قانون با ۳۶ ماده و ۲۳ تبصره دارای شش فصل به شرح زیر است:

فصل اول . تعریف مطبوعات

فصل دوم . رسالت مطبوعات

فصل سوم . حقوق مطبوعات

فصل چهارم . حدود مطبوعات

فصل پنجم . شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه

فصل ششم . جرایم

این قانون ، که عدم توجه کافی به حقوق روزنامه نگاران و سکوت کامل درباره هیات منصفه از بارزترین کمبودهای آن است به دلایل پیش گفته و دگرگونی شرایط اجتماعی همواره و از سوی گرایشهای مختلف فکری و سیاسی نیازمند بازنگری خوانده می شد. در این تردیدی نبود اما چگونگی و جهت گیری این بازنگری مورد اختلاف نظر شدید بوده و هست.

به همین جهت علاوه بر چند مورد قوانین الحاقی یا اصلاحی در اردیبهشت سال ۱۳۷۴ ، هفده تن از نمایندگان ، پیش نویس " طرح قانون مطبوعات " را تقدیم مجلس شورای اسلامی کردند. اما این " طرح " که قانون مطبوعات را به کلی دگرگون می ساخت با مخالفت شدید روزنامه نگاران و افکار عمومی رو به رو شد و سرانجام به درستی کنار نهاده شد.

با این حال ، درست چهار سال بعد و در آخرین سال فعالیت دوره پنجم مجلس شورای اسلامی ، باز دیگر شماری از نمایندگان مجلس با تقدیم طرح جدیدی ، "اصلاح قانون مطبوعات " را درخواست کردند. این طرح نیز که با واکنشهای مخالف رو به رو شد ابتدا برای چند ماه مسکوت ماند اما سرانجام در مورخ ۱۳۷۹/۱/۳۰ به تصویب نهایی مجلس رسید و پس از تایید شورای نگهبان از سوی رئیس جمهور وقت برای اجرا به دستگاههای مربوطه ابلاغ شد.

چنین قانونی همچنان پا برجاست و مورد استناد قضاوت در نظام قضایی کشور است.

براساس اصلاحات انجام شده ، اینک قانون مطبوعات دارای ۴۸ ماده بوده و افزون بر شش فصل پیشین ، دو فصل دیگر نیز بر آن افزوده شده است. دو فصل جدید شامل :

فصل هفتم. هیات منصفه مطبوعات

فصل هشتم. موارد متفرقه ، می شوند.

در اینجا یادآوری این موضوع مهم است که در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ درباره هیات منصفه سکوت کامل شده بود و مواد ۳۱ تا ۳۹ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ شورای انقلاب ملاک عمل بود.

قانون مطبوعات مصوب اسفندماه ۱۳۷۹

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می کند. "قانون اساسی اصل ۲۴"

فصل اول: تعریف مطبوعات

ماده ۱. مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی است که بطور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می شوند.

تبصره ۱- انتشار فوق العاده اختصاص به نشریه ای دارد که بطور مرتب انتشار می یابد.

تبصره ۲- نشریه ای که بدون اخذ پروانه از هیات نظارت بر مطبوعات منتشر گردد از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است.

تبصره ۳- کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است.

فصل دوم: رسالت مطبوعات

ماده ۲. رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد، عبارت است از:

الف. روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده یک.

ب. پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.

ج. تلاش برای نفی مرزبندی های کاذب و تفرقه انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف.

د. مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تبذیر، لغو، تجمل پرستی، اشاعه فحشا و ...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی.

ه. حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی - نه غربی.

تبصره - هر یک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق الذکر سهمیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

فصل سوم: حقوق مطبوعات

ماده ۳. مطبوعات حق دارند نظرات ، انتقادات سازنده ، پیشنهادها ، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.

تبصره - انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین ، تحقیر و تخریب می باشد.

ماده ۴. هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

ماده ۵. کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است .

تبصره ۱- متخلف از مواد (۴) و (۵) به شرط داشتن شاکی به حکم دادگاه به انفصال خدمت از شش ماه تا دوسال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

تبصره ۲- مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم الاتباع است . در صورت تخلف ، دادگاه می تواند نشریه متخلف را موقتا تا دوماه توقیف و پرونده را خارج از نوبت رسیدگی نماید.

تبصره ۳- مطالب اختصاصی نشریات اگر به نام پدید آورنده اثر (به نام اصلی یا مستعار) منتشر شود به نام او و در غیر اینصورت به نام نشریه ، مشمول قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان می باشد.

فصل چهارم : حدود مطبوعات

ماده ۶. نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می شوند آزادند:

۱- نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

۲- اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکس ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.

۳- تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.

۴- ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه ، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.

۵- تحریص و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت ، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج.

۶- فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه ، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ، نقشه و استحقاقات نظامی ، انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیر علنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی.

۷- اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

۸- افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

۹- سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) بنحوی که تبلیغ از آنها باشد. (حدود موارد فوق را آیین نامه مشخص می کند)

تبصره - سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته های دیگران به خود یا غیر، ولو بصورت ترجمه.

۱۰- استفاده ایزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی، طرح مطالب موجب تضاد میان زن و مرد از طریق دفاع غیر شرعی از حقوق آنان.

تبصره - متخلف از موارد مندرج در این ماده مستوجب مجازاتهای مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواهد بود و در صورت اصرار مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می باشد.

۱۱- پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.

۱۲- انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی.

ماده ۷. موارد ذیل ممنوع و جرم محسوب می شود:

الف. چاپ و انتشار نشریه ای که پروانه برای آن صادر نشده و یا پروانه آن لغو گردیده و یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دائم تعطیل گردیده است.

ب. انتشار نشریه به گونه ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است.

ج. انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده اند از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود.

د. انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول و نشانی اداره نشریه و چاپخانه آن.

تبصره - مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات، مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوی دادگاه صالح یا هیات نظارت مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود، نمی باشند.

فصل پنجم: شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه

ماده ۸. انتشار نشریه توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است. استفاده نشریات از کمک خارجی مستقیم یا غیر مستقیم ممنوع و جرم محسوب می شود.

تبصره ۱- مطبوعاتی که از طرف سازمانهای آزادی بخش اسلامی کشورهای دیگر منتشر می شود می تواند با سرمایه و مسئولیت اشخاص غیر ایرانی در چهارچوب قوانین مربوطه به خارجیان مقیم ایران و موافقت وزارتین ارشاد و امور خارجه منتشر شوند.

تبصره ۲- کمکهای اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی غیر دولتی که با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه دریافت گردد مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصره ۳- واگذاری امتیاز نشریه به غیر اعم از قطعی، شرطی، اجاره و امثال آن ممنوع است و جرم محسوب می شود مگر در صورت درخواست کتبی صاحب امتیاز و تصویب هیات نظارت.

ماده ۹. الف - شخص حقیقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط زیر باشد:

- ۱- تابعیت ایران.
 - ۲- دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن.
 - ۳- عدم حجر و ورشکستگی به تقلب و تقصیر.
 - ۴- عدم اشتها به فساد اخلاقی و سابقه محکومیت کیفری بر اساس موازین اسلامی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی باشد.
 - ۵- داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزه ای، به تشخیص هیات نظارت موضوع ماده ۱۰ این قانون
 - ۶- پایبندی و التزام عملی به قانون اساسی
- ب- اشخاص حقوقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط ذیل باشند:
- ۱- مراحل قانونی ثبت شخصیت حقوقی طی شده باشد و در اساسنامه و یا قانون تشکیل خود مجاز به انتشار نشریه باشد.
 - ۲- زمینه فعالیت نشریه مرتبط با زمینه فعالیت شخص حقوقی بوده و محدوده جغرافیایی انتشار آن همان محدوده جغرافیایی شخصیت حقوقی باشد.

تبصره ۱- متقاضی امتیاز نشریه موظف است خود یا شخص دیگری را به عنوان مدیر مسئول واجد شرایط مندرج در این ماده معرفی نماید.

تبصره ۲- برای نشریات داخلی یک سازمان ، موسسه و شرکت دولتی یا خصوصی که فقط برای استفاده کارکنان منتشر و رایگان در اختیار آنان قرار می گیرد ، تنها اجازه وزارت ارشاد اسلامی با رعایت ماده ۲ این قانون کافی است.

تبصره ۳- با یک پروانه نمی توان بیش از یک نشریه منتشر کرد.

تبصره ۴- صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول است و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می رسد و دیگر امور مربوط با نشریه به عهده مدیر مسئول خواهد بود.

تبصره ۵- نخست وزیران ، وزیران ، استانداران ، امرای ارتش و شهربانی ، ژاندارمری ، روسای سازمانهای دولتی ، مدیران عامل و روسای هیات مدیره شرکتها و بانکهای دولتی و کلیه شرکتها و موسساتی که شمول حکم در مورد آن مستلزم ذکر نام است ، نمایندگان مجلسین ، سفرا ، فرمانداران ، شهرداران ، روسای انجمنهای شهر و شهرستان تهران و مراکز استانها ، اعضای ساواک ، روسای دفاتر رستاقیز در تهران و مراکز استانها و شهرستانها و وابستگان به رژیم سابق که در فاصله زمانی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در مشاغل مذکور بوده و همچنین کسانی که در این مدت از طریق مطبوعات ، رادیو و تلویزیون با سخنرانی در اجتماعات خدمتگزار تبلیغاتی رژیم گذشته بوده اند ، از انتشار نشریه و هرگونه فعالیت مطبوعاتی محرومند.

تبصره ۶- هیات نظارت موظف است جهت بررسی صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول از مراجع ذیصلاح (وزارت اطلاعات و دادگستری و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) استعلام نمایند. مراجع مذکور موظفند حداکثر تا دو ماه نظر خودرا همراه مستندات و مدارک معتبر به هیات نظارت اعلام نمایند. در صورت عدم پاسخ از سوی مراجع مذکور و فقدان دلیل دیگر صلاحیت آنان تایید شده تلقی می گردد.

تبصره ۷- مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می شود به عهده مدیر مسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود.

تبصره ۸- اعضا و هواداران گروههای ضد انقلاب و یا گروههای غیر قانونی و محکومین دادگاههای انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضد انقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته اند و

همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ می کنند ، حق هیچگونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند.

*ماده ۱۰- اعضای هیات نظارت بر مطبوعات که از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و مومن به انقلاب اسلامی می باشند ، عبارتند از :

الف - یکی از قضات به انتخاب رئیس قوه قضائیه.

ب - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام الاختیار وی.

ج - یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس.

د- یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی.

ه- یکی از مدیران مسئول مطبوعات به انتخاب آنان.

و- یکی از اساتید حوزه علمیه به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم.

ز- یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب آن شورا.

تبصره ۱- این هیات ظرف دو ماه پس از تصویب این قانون در دوره اول و در دوره های بعد ، ظرف یک ماه قبل از اتمام مدت مقرر برای مدت دو سال به دعوت وزیر ارشاد اسلامی تشکیل می شود.

تبصره ۲- تصمیمات هیات نظارت قطعی است. این امر مانع سکایت و اقامه دعوی افراد ذی نفع در محاکم نخواهد بود.

تبصره ۳- دبیرخانه هیات نظارت با امکانات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می شود و وزیر نظر آن هیات انجام وظیفه می نماید.

تبصره ۴- وزارت ارشاد اسلامی مسئول دعوت و برگزاری جلسه انتخابات موضوع بند "ه" این ماده است و مرجع تشخیص صلاحیت نامزدهای انتخابات مزبور براساس شرایط مندرج در صدر این ماده ، هیات سه نفری مرکب از افراد بندهای الف و ب و ج می باشند.

تبصره ۵- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ریاست هیات نظارت بر مطبوعات را بر عهده خواهد داشت و پاسخگوی عملکرد هیات مذکور در مجلس و دیگر مراجع ذی صلاح خواهد بود.

ماده ۱۱- رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول به عهده هیات نظارت بر مطبوعات است.

تبصره - در صورتی که صاحب پروانه یکی از شرایط مقرر در ماده (۹) این قانون را فاقد شود ، به تشخیص هیات نظارت مقرر در ماده (۱۰) و با رعایت تبصره های آن ، پروانه نشریه لغو می شود.

ماده ۱۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظفاست تخلف نشریات را راسا یا به تقاضای حداقل دو نفر از اعضای هیات نظارت ، ظرف مدت یک ماه مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم به صورت مستقیم و یا از طریق هیات نظارت ، مرتب را جهت پیگرد قانونی به دادگاه صالح تقدیم نماید.

تبصره - در مورد تخلفات موضوع ماده (۶) به جز بند (۳) و (۴) و بند (ب) ، (ج) و (د) ماده (۷) هیات نظارت می تواند نشریه را توقیف نماید و در صورت توقیف موظف است ظرف مدت یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید.

ماده ۱۳- هیات نظارت مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا جهت امتیاز یک نشریه ، درباره صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول با رعایت شرایط مقرر در این قانون رسیدگیهای لازم را انجام داده و مراتب رد یا قبول تقاضا را با ذکر دلایل و شواهد ، جهت اجرا به وزیر ارشاد گزارش نماید، و وزارت ارشاد اسلامی موظف است حداکثر ظرف ۲ ماه از تاریخ موافقت هیات نظارت برای متقاضی ، پروانه انتشار صادر کند.

ماده ۱۴- در صورتی که مدیر مسئول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد ، یا فوت شود و یا استعفا دهد ، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف ۳ ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند، در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می شود ، تا زمانی که صلاحیت مدیر به تایید نرسیده است ، مسئولیتهای مدیر به عهده صاحب امتیاز است.

ماده ۱۵. اعلام نظر موظف هیات نظارت مبنی بر تایید یا عدم تایید مدیر مسئول جدید ، حداکثر سه ماه از تاریخ معرفی توسط وزارت ارشاد اسلامی خواهد بود.

ماده ۱۶- صاحب امتیاز موظف است ظرف شش ماه پس از صدور پروانه ، نشریه مربوطه را منتشر کند و در غیر این صورت با یک بار اخطار کتبی و دادن فرصت پانزده روز دیگر در صورت عدم عذر موجه اعتبار پروانه از بین می رود، عدم انتشار منظم نشریه در یک سال نیز اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیأت نظارت) باشد موجب لغو پروانه خواهد بود.

تبصره- نشریه ای که سالانه منتشر می شود (سالنامه) از ماده فوق مستثنی بوده و در صورت عدم نشر ظرف یک سال بدون عذر موجه ، پروانه صاحب امتیاز لغو خواهد شد.

ماده ۱۷ - پروانه هایی که بر طبق مقررات سابق برای نشریات کنونی صادر شده است به اعتبار خود باقی است، مشروط بر اینکه ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون، صاحب امتیاز برای تطبیق وضع خود با این قانون اقدام نماید.

ماده ۱۸ - در هر شماره باید نام صاحب امتیاز، مدیر مسئول، نشانی اداره و چاپخانه ای که نشریه در آن به چاپ می رسد و نیز در زمینه فعالیت و ترتیب انتشار نوع نشریه (دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، هنری و غیره) در صفحه معین و محل ثابت اعلان شود، چاپخانه ها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده می باشند.

ماده ۱۹ - نشریات در چاپ آگهی های تجارتي که مشتمل بر تعریف و تمجید کالا یا خدماتی که از طرف یکی از مراکز تحقیقاتی کشور که بر حسب قوانین رسمیت داشته باشند، تأیید گردد با رعایت ماده ۱۲ آیین نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانونهای آگهی تبلیغاتی و بندهای مربوطه مجاز می باشند.

تبصره - در مواردی که طبق این ماده، مطبوعات مجاز به درج آگهی های مشتمل بر تعریف و تشویق از کالا و خدمات هستند، متن این تعریف و تشویف نمی تواند از متن تقدیرنامه رسمی مراکز قانونی مذکور در این ماده فراتر رود.

ماده ۲۰ - هر روزنامه یا مجله باید دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر طبق قانون تهیه و کلیه مخارج و درآمد خود را در آن ثبت کند و بیلان سالانه درآمد و مخارج را به وزارت ارشاد اسلامی بفرستد. وزارت ارشاد اسلامی هر وقت لازم بداند، دفاتر مالی مؤسسات را بازرسی می نماید.

تبصره - کلیه مطبوعات موظفند از هر شماره ی نشریه، دو نسخه به هر یک از مراجع زیر به طور مرتب و رایگان ارسال نمایند:

الف - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ب - مجلس شورای اسلامی

ج - دادگستری مرکز استان محل نشر.

ماده ۲۲ - ورود مطبوعات به کشور و نیز خروج آن، ظرف شش ماه توسط وزارت ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

فصل ششم: جرائم

ماده ۲۳ - هر گاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افتراء، یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذی نفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه، کتبا برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است اینگونه توضیحات و پاسخها را در یکی از دو شماره ای که پس از وصول پاسخ منتشر می شود، در همان صفحه و ستون، و با همان حروف که

اصل مطلب منتشر شده است ، مجانی به چاپ برساند ، به شرط آنکه جواب از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد.

تبصره ۱ - اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور ، مطالب یا توضیحات مجددی چاپ کند ، حق پاسخگویی مجدد برای معترض باقی است . درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آن را ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن در حکم عدم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود.

تبصره ۲ - پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره ی نشریه درج گردد . به شرط آنکه حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه پاسخ به دفتر نشریه تسلیم و رسید دریافت شده باشد.

تبصره ۳ - در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد ، شاکی می تواند به دادگستری شکایت کند و رییس دادگستری در صورت احراز صحت شکایت ، جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می کند و هر گاه این اخطار مؤثر واقع نشود، پرونده را پس از توقیف موقت نشریه ، که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، به دادگاه ارسال کند.

تبصره ۴- اقدامات موضوع این ماده و تبصره های آن نافه اختیارات شاکی در جهت شکایت به مراجع قضایی نمی باشد.

ماده ۲۴- اشخاصی که اسناد و دستوره‌های محرمانه ی نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ با صلح بوسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشر کنند به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود.

ماده ۲۵ - هر کس بوسیله مطبوعات مردم را صریحا به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است ، ترخیص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود ، به مجازات معاونت همان جرم محکوم ، و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع ، بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۲۶ - هر کس بوسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند ، در صورتی که به ارتداد منجر شود ، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد ، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۲۷ - هر گاه در نشریه ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود ، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به حاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.

تبصره - رسیدگی به جرایم موضوع ۲۶، ۲۵، ۲۴ و ۲۷ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست.
ماده ۲۸ - انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود.

ماده ۲۹ - انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیر علنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی که طبق قانون، افشای آن مجاز نیست، ممنوع است و در صورت تخلف طبق نظر حاکم شرع و قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۳۰ - انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبتهای توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است و مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می گردد و تعقیب جرایم مزبور موقوف به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله ای که باشد متوقف خواهد شد.

مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئولی که سمتهای مزبور را طبق قانون از دست داده اند نیز می شود.

ماده ۳۳ - الف - در انتشار نشریه، نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلید شود به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد، از انتشار آن جلوگیری و مرتکب به حبس تعزیری شصت و یکروز تا سه ماه و جزای نقدی از یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم می شود. تعقیب جرم و مجازات منوط به شکایت شاکی خصوصی است.

ب - پس از توقیف یک نشریه، انتشار هر نوع نشریه دیگری به جای نشریه توقیف شده، به نحوی که با نشریه مذکور از نظر نام، علامت و شکل متشابه شود، ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می گردد. مرتکب به مجازات حبس تعزیری از سه ماه تا شش ماه و جزای نقدی از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم می شود.

ماده ۳۴ - رسیدگی با جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می تواند در محاکم عمومی یا انقلابی یا سایر مراجع قضایی باشد. در هر صورت علنی بودن و حضور هیات منصفه الزامی است.

تبصره - به جرایم مطبوعاتی در محاکم صالح مراکز استانها رسیدگی می شود.

ماده ۳۵ - تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد متخلف به یکی از مجازاتهای ذیل محکوم می شود:

الف - جزای نقدی از یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال.

ب - تعطیل نشریه حد اکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات .

تبصره - دادگاه می تواند در جرایم مطبوعاتی ، مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازاتهای ذیل تبدیل نماید:

الف - جزای نقدی از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) تا پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال .

ب - تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و تا یک سال در مورد نشریات .

ج - محرومیت از مسئولیتهای مطبوعاتی حداکثر تا پنج سال .

فصل هفتم : هیات منصفه مطبوعات

ماده ۳۶ - انتخاب هیات منصفه به طریق ذیل خواهد بود :

هر دو سال یکبار در مهر ماه ، جهت تعیین اعضای هیات منصفه در تهران ، به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان ، رئیس شورای شهر ، رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مرکز استان به دعوت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان ، رئیس شورای شهر مرکز استان ، رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی تشکیل می شود .

هیأت مذکور در تهران (۲۱) نفر و در سایر استانها (۱۴) نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروههای مختلف اجتماعی (روحانیون ، اساتید دانشگاه ، پزشکان ، مهندسان ، نویسندگان و روزنامه نگاران ، وکلای دادگستری ، دبیران و آموزگاران ، اصناف ، کارمندان ، کارگران ، کشاورزان ، هنرمندان و بسیجیان) به عنوان اعضاء هیأت منصفه انتخاب می کنند.

تبصره ۱ - چنانچه مفاد موضوع این ماده در مهلت مقرر انجام نشود ، رئیس دادگستری مکلف می باشند نسبت به دعوت از افراد یاد شده و انتخاب هیأت منصفه اقدام نمایند.

تبصره ۲ - چنانچه به هر دلیلی اعضای هیأت منصفه به ده نفر یا کمتر برسد ، هیأت مذکور در این ماده موظف است ، ظرف یک ماه تشکیل جلسه داده و نسبت به تکمیل اعضای هیأت منصفه اقدام نماید.

ماده ۳۷ - اعضای هیأت منصفه باید دارای شرایط زیر باشند:

۱- داشتن حداقل سی سال سن و تأهل.

۲- نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری .

- ۳- اشتهار به امانت ، صداقت و حسن شهرت
- ۴- صلاحیت علمی و آشنایی با مسائل فرهنگی و مطبوعاتی.
- ماده ۳۸- پس از انتخاب اعضای هیأت منصفه ، موضوع ماده (۳۶) این قانون ، مراتب توسط رئیس دادگستری استان به اعضاء ابلاغ می گردد. دادگاه رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی ، حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی ، از تمامی اعضای هیأت منصفه دعوت می کند تا در جلسه محاکمه حضور یابند. دادگاه با حضور حداقل ۷ نفر از اعضاء هیأت منصفه رسمیت خواهد یافت . اکثریت آراء حاضران ملاک تصمیم گیری هیأت منصفه خواهد بود.
- اعضای هیأت موظفند تا پایان جلسات دادگاه حضور داشته باشند.
- تبصره ۱- تصمیمات هیأت‌های نظارت و منصفه با اکثریت مطلق عده حاضر معتبر خواهد بود.
- تبصره ۲- چنانچه در دو جلسه رسیدگی به یک پرونده جرم مطبوعاتی ، هیأت منصفه به حد نصاب نرسد ، دادگاه در جلسه سوم با حضور افراد حاضر ، حداقل به تعداد پنج نفر رسیدگی می نماید.
- تبصره ۳- دبیرخانه هیأت منصفه با بودجه و امکانات قوه قضائیه تشکیل و زیر نظر هیأت منصفه انجام وظیفه می نماید.
- ماده ۳۹- هر یک از اعضای هیأت منصفه چنانچه بدون عذر موجه در دو جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب دادگاه حاضر نشود یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند با حکم دادگاه رسیدگی کننده به دو سال محرومیت از عضویت در هیأت منصفه محکوم می شود. رأی دادگاه قطعی است.
- تبصره - هر یک از اعضای هیأت منصفه به علت وجود عذر موجه نتواند در جلسه دادگاه حضور یابد ، موظف است دو روز قبل از جلسه دادرسی عذر خود را کتبا و به طور مستدل به استحضار دادگاه برساند ، در غیر این صورت عذر وی غیر موجه محسوب می گردد مگر عذرهایی که در این فاصله تا جلسه دادگاه حادث شده باشد. در هر حال موظف است عذر را به دادگاه اعلام نماید.
- عذر موجه همان است که در آیین دادرسی احصاء گردیده است.
- ماده ۴۰- اعضای هیأت منصفه در ابتدای اولین جلسه حضور خود در دادگاه ، به خداوند متعال و در برابر قرآن کریم سوگند یاد می کنند بدون در نظر گرفتن گرایشهای شخصی یا گروهی و با رعایت صداقت ، تقوی و امانت داری ، در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه نمایند.
- ماده ۴۱- موارد رد اعضای هیأت منصفه همان است که طبق قانون در مورد رد قضات پیش بینی شده است.

ماده ۴۲ - هر گاه در حین محاکمه ، اعضای هیأت منصفه سؤالاتی داشته باشند ، مراتب را کتبا جهت طرح ، تسلیم رئیس دادگاه می نمایند.

ماده ۴۳ - پس از اعلام ختم رسیدگی ، بلافاصله اعضاء هیأت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دادند:

الف - متهم بزهکار است یا خیر ؟

ب - در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر ؟

تبصره ۱ - پس از اعلام نظر هیأت منصفه ، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده طبق قانون مبادرت به صدور رأی می نماید.

تبصره ۲ - در صورتی که تصمیم هیأت منصفه بر بزهکاری باشد دادگاه می تواند پس از رسیدگی رأی بر برائت صادر کند.

تبصره ۳ - در صورتی که رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت باشد ، رأی صادره طبق مقررات قانونی قابل تجدید نظر خواهی است. در رسیدگی مرحله تجدید نظر حضور هیأت منصفه لازم نیست .

تبصره ۴ - حضور هیأت منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی لازم نیست.

ماده ۴۴ - هر گاه حکم دادگاه مبنی بر برائت یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد ، از نشریه در صورتی که قبلا توقیف شده باشد بی درنگ رفع توقیف خواهد شد و انتشار مجدد آن بلامانع می باشد.

فصل هشتم . موارد متفرقه

ماده ۴۵ - نظارت دقیق بر عملکرد جرائد و انجام رسالت مطبوعاتی آنان بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این امر مانع از انجام وظیفه مستقیم هیأت نظارت نخواهد بود.

ماده ۴۶ - صاحب امتیاز و مدیر مسئول موظفند کلیه کارکنان نشریه را بیمه نمایند تا در صورتی که به حکم دادگاه یا رأی هیأت نظارت یا به هر دلیل دیگر نشریه تعطیل گردید ، تا زمان اشتغال مجدد طبق مقررات قانون کار حقوق قانونی آنان پرداخت شود.

ماده ۴۷ - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف حداکثر شش ماه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۴۸ - این قانون از جمله در مورد نحوه تشکیل هیأت نظارت و هیأت منصفه از تاریخ تصویب لازم الاجرا است و نیز از تاریخ تصویب، کلیه قوانین مغایر با آن از جمله لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۵ شورای انقلاب لغو می گردد

قانون مطبوعات در مالزی

پس از مشخص شدن آخرین قانون مطبوعات ایران که در فروردین ۱۳۷۹ به تصویب رسید، اینک به روند قانونی مطبوعات در مالزی می پردازم. در ابتدا لازم است به مواد قانون اساسی در باره آزادی بیان در این کشور پرداخته شود و آنگاه سیر پیشینه شکل گیری روند قانون مطبوعات مورد بررسی قرار گیرد و در پایان بین دو قانون مطبوعات ایران و مالزی و تفاوتها و مشترکات آنها مقایسه ای صورت گیرد.

ماده ۱۰ قانون اساسی مالزی

(۱) تابع عبارات (۲)، (۳)، و (۴) است

مربوط به بندهای (۲)، (۳)، و (۴) -

(الف) هر شهروند حق آزادی بیان و اظهار نظر را دارد؛

(ب) تمامی شهروندان حق برگزاری مسالمت آمیز گرد هم آیی و بدون سلاح را دارند؛

(س) تمامی شهروندان حق تشکیل نهادهایی (سازمانهایی) را دارند.

(۲) پارلمان ممکن است قوانینی وضع کند -

(الف) در مورد حقوق مطرح در بند (الف) از عبارت (۱) چنین محدودیتهایی، با توجه به منافع امنیت فدرال یا هر بخش مرتبط با آن، روابط دوستانه با دیگر کشورها، نظم عمومی یا اخلاقی و محدودیتهای مطرح برای حفظ مصونیت پارلمان یا هر نوع مجلس قانونگذاری یا مهیا ساختن در برابر حرمت دادگاه، تهمت، یا تحریک (تهییج) هر گونه قانون شکنی (بزه)؛ لازم یا مصلحت (مقتضی) به نظر می رسد.

(ب) در مورد حق مربوط به بند (ب) از عبارت (۱)، چنین محدودیتهایی در راستای منافع امنیت فدرال یا هر بخش مربوط به آن، یا نظم عمومی ضروری یا مقتضی پنداشته می شود.

(س) در مورد حق مربوط به بند (س) از عبارت (۱) چنین محدودیتهایی با توجه به منافع امنیت فدرال یا هر بخش مربوط به آن، نظم عمومی یا اخلاقی ضروری یا مقتضی به نظر می رسد.

(۳) محدودیتهای مربوط به حق تشکیل نهادها (سازمانها) مطرح در بند (س) از عبارت (۱) ممکن است با هر قانون مربوط به کار یا آموزش و پرورش اعمال شود.

(۴) با اعمال محدودیتهای مربوط به منافع امنیت فدرال یا هر بخش مربوط به آن یا نظم عمومی تحت عبارت (۲) (الف)، پارلمان ممکن است قانونی وضع کند که زیر سؤال بردن هر موضوع، حقوق، جایگاه، موقعیت، مصونیت، حاکمیت یا حق ویژه مقرر شده یا حمایت شده در بندهای بخش ۳ از ماده ۱۵۳، ۱۵۲ یا ۱۸۱ ممنوع سازد مگر اینکه در رابطه با اجرای مربوط به آن در چنین قانونی مشخص شده باشد.

در ماده های ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۸۱ حقوق حاکم یا پادشاه یا سلطان (این سه واژه در مورد حکمران مالزی کاربرد دارد) تعیین شده است و در این ماده ها هیچ گونه تعرضی به سلطان کشور نباید صورت گیرد و او قانونا از هر گونه تعرضی مصون است.

قانون آشوب و اغتشاش در مالزی

قانون آشوب و فتنه (اغتشاش) در مالزی، قانونی است که سخنرانی به عنوان فتنه گری و آشوب تلقی و ممنوع شده است. این قانون ابتدا در زمان اقتدار استعمارگران انگلیسی در سال ۱۹۴۸ وضع شد. براساس این قانون، سخنرانی با "گرایش فتنه گرانه" شامل "ایجاد تنفر یا اهانت یا برآشفتن نارضایتی علیه" دولت یا موجب جریحه دار کردن احساسات و دشمنی بین نژادهای مختلف شود، جرم محسوب می شود. بند آخر شامل زیر سؤال بردن بخشهای مشخصی از قانون اساسی مالزی به ویژه بخش مربوط به قراردادهای اجتماعی مالزیایی ها از جمله ماده ۱۵۳ می شود که به حقوق ویژه "بومی پوتراها" (مالایی ها و بومیهای سرزمین مالایا که بیش از ۶۳ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند) برمی گردد.

پیشینه

قانون ممنوعیت سخنرانی تهییج آمیز در سال ۱۹۴۸ از سوی دولت انگلیس که همچنان یوغ استعماری خود را بر مردم مالزی داشت، ارایه شد و این همان سالی بود که انگلیس برای فرونشاندن مخالفت با حاکمیت استعمار، حق خودمختاری به فدرال مالایا (مالزی) را اعطا کرد. این قانون به عنوان قانون موضوعه تا آغاز استقلال مالزی در سال ۱۹۵۷ ادامه داشت.

همانگونه که در بالا اشاره شد، قانون اساسی فدرال مالایا و بعدا مالزی به پارلمان این کشور اجازه داد تا محدودیتهایی درباره آزادی بیان که در قانون اساسی اعطا شده بود، اعمال کند. پس از درگیریهای نژادی داخلی در کوالالامپور پایتخت مالزی که به "حادثه ۱۳ مه ۱۹۶۹" معروف است و طی آن حداقل ۲۰۰ تن کشته شدند، دولت این کشور قانون اساسی را اصلاح کرد تا محدودیتهای جدیدتری در مورد آزادی بیان اعمال شود. ماده ۱۹۷۱ متمم قانون اساسی مالزی که شامل مواد ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۸۱ و همچنین بخش سوم قانون اساسی به عنوان حمایت ویژه مطرح شده است، به پارلمان اجازه می دهد تا قانونی وضع کند که از دامن زدن به اختلافات نژادی در کشور پرهیز شود. در واقع این بخش از قانون اساسی به بندهای مربوط به قرارداد اجتماعی بر می گشت که امتیازات ویژه ای برای قوم یا نژاد مالایی به عنوان بومیان سرزمین مالایا قایل می شد و به موافقتنامه ای اشاره داشت که بین مالایی ها و غیر مالاییها (چینی تباران و هندی تباران) امضا شده بود که براساس آن به غیرمالاییها در مقابل اعطای حکومت سلطنتی مالایی و امتیازات ویژه اقتصادی به مالایی ها، حق شهروندی به آنان اعطا می شد. با چنین قدرت جدیدی به مالاییها، پارلمان قانون آشوب و فتنه را اصلاح کرد. محدودیتهای جدید شامل اعضای پارلمان نیز می شد و در حقیقت مصونیت پارلمانی را از آنان سلب می کرد. در اصلاح قانون اساسی، نقش شورای حکام، نهاد متشکل از سلطانهای ایالتهای مالاییها از اقتدار بیشتری برخوردار شدند.

اصلاحات جدید در قانون اساسی مالزی با انتقاد احزاب مخالف در پارلمان رو به رو شد که خواستار برابری سیاسی بیشتری برای غیر مالاییها بودند و این موضوع تبلیغاتی مهم آنان در انتخابات سراسری سال ۱۹۶۹ شد. به رغم این مخالفتها، ائتلاف حزب حاکم که بیش از دو سوم اعضای مجلس را تشکیل می دادند، اصلاحات را تصویب کردند.

این قوانین با محکومیت دولت انگلیس مواجه شد و روزنامه تایمز لندن نوشت: آنها (نمایندگان مجلس) یک نظام فئودالی را ایجاد کرده اند که تحت سلطه جامعه مالایی خواهد بود و قدرت زیادی

به یک نهاد قدیمی سلطنتی داده شده که در قانون اساسی گذشته نقش فرعی را داشتند. " تون عبدالرزاق" معاون نخست وزیر وقت مالزی این حرکت انگلیسیها را ریاکارانه خواند و گفت : " موضوعات مهم دیگر نباید در پس پرده باقی بمانند."

در بخش ۴ از قانون آشوب و فتنه بیان می دارد هر کسی " مبادرت به انجام یا تلاش به انجام ، یا هرگونه آماده سازی برای انجام ، یا توطئه با شخصی برای انجام " یک عمل با گرایش آشوب و فتنه ، مانند استفاده از واژه های آشوب گرانه ، یا نوشته ، نشر یا ادبیات وارداتی فتنه گرانه کند ، مرتکب جرم آشوب شده است. دستیابی به نشریات آشوب گرانه بدون عذر قانونی نیز جرم محسوب می شود. این قانون ، خود واژه اغتشاش یا فتنه جویی را به عنوان هر چیزی که " زمانیکه بکار می رود یا با توجه به هر عملی ، سخنرانی ، عبارتی ، چاپی یا دیگر چیزهایی که این عمل ، سخنرانی ، کلمات ، نشریه یا دیگر چیزهایی که دارای یک گرایش آشوب گرانه است " ، تعریف کرده است.

براساس بخش ۳(۱) ، اقداماتی که به عنوان دارای گرایش آشوب گرایانه تعریف شده اند ، اقداماتی با تمایل به :

(الف) ایجاد تنفر یا وارد کردن اهانت یا تهییج نارضایتی علیه هر حاکم یا علیه هر دولتی ؛

(ب) زیر سؤال بردن حاکم یا ساکنان هر سرزمینی که از سوی هر دولتی حکمرانی می شود، تلاش برای مخدوش کردن سرزمین سلطان یا دولت ، دگرگونی که راه های قانونی برای آنها در نظر گرفته شده و هر موضوعی که از سوی قانون مقرر شده است؛

(س) ایجاد تنفر یا اهانت یا تهییج نارضایتی علیه اجرای عدالت در مالزی یا هر ایالت؛

(د) مطرح کردن ناخرسندی یا بی میلی نسبت به اعمال پادشاه یا هر یک از حاکمان ایالتها یا در میان ساکنان مالزی یا هر کدام از ایالتها؛

(ه) ترویج احساسات تشنج زا و دشمنی بین نژادها یا طبقات مختلف جمعیت مالزی ؛ یا

(و) زیر سؤال بردن هر موضوع ، حق ، جایگاه ، موقعیت ، امتیاز ویژه ، حاکمیت یا مصونیت مقرر یا تعیین شده در بندهای بخش سوم قانون اساسی فدرال یا ماده های ۱۵۲، ۱۵۳ یا ۱۸۱ قانون اساسی فدرال.

بخش ۳(۲) به استثناها اشاره دارد که مثالهایی از سخنرانی است که نمی توانند فتنه جویانه تلقی شوند. اینکه " نشان دهد حکمران در اتخاذ تدابیر مرتکب خطا شده است ، آشوب نیست یا اینکه " به اشتباهات یا کاستیها در دولت یا قانون اساسی که از طریق قانون مقرر شده ، اشاره شود ، یک اقدام آشوب طلبانه نیست." تلاش برای دگرگونی و تغییر در موضوعی در سرزمین تحت قیمومت چنین دولتی از راههای قانونی یا " اشاره به بررسی برای عزلها ، موضوعاتی که می تواند به گرایش از احساسات بدبینی یا خصومت بین نژادها یا طبقات جمعیت فدرال " منجر شود ، اقدام فتنه جویانه تلقی نمی شود. در عین حال ، عمل صریح و روشنی که بیان کننده هر گونه موضوع مطرح در زیربخش (۱) (و) که به قرارداد اجتماعی مالزی مربوط می شود ، نمی تواند شامل این استثناها باشد.

بخش ۳(۳) بیان کننده آنست که " نیت شخص متهم در زمانی که او مرتکب عملی شده تا در صدد عمل آشوب گرانه بوده، اگر در واقع این عمل صورت گرفته یا در صورت انجام در قالب واژه ها ، نشریه یا چیزی که گرایش فتنه جویانه داشته است ، نامربوط تلقی خواهد شد".

شخصی که برای اقدام فتنه جویانه گناهکار شناخته شود می تواند به سه سال زندان ، ۵ هزار رینگیت (رینگیت واحد پول مالزی است و هر رینگیت ۲۵۰ تومان است) جریمه یا هر دو محکوم شود.

سیر قانون مطبوعات در مالزی

بر پایه قانون اولیه مطبوعات مکتوب سال ۱۹۴۸ که از سوی انگلیس استعمارگر در مالزی به اجرا در آمد، ناشران روزنامه ها موظف بودند برای انتشار روزنامه گواهینامه دریافت کرده و از مقام مربوطه برای چاپ و انتشار روزنامه مجوز دریافت کنند. گواهینامه و دریافت مجوز باید هر ساله تمدید شود.

این قانون برای جلوگیری از انتشار موضوعات حساسی چون برافروختن احساسات یا تعصبات همگانی، به مخاطره انداختن امنیت ملی کشور که اصل اساسی مقررات روزنامه و دیگر نشریات سال ۱۹۶۹ بود، اصلاح شد.

قانون "آشوب و فتنه" در فوریه ۱۹۷۱ اصلاح شد تا هرگونه بحث و گفت و گوی عمومی یا زیر سؤال بردن موضوعات حساس ممنوع شود.

اصلاح دیگری بر قانون مطبوعات و انتشارات در سال ۱۹۷۴ صورت گرفت و در این اصلاحیه تصریح شد که سرمایه گذارهای مالزیاییها در روزنامه باید بیشتر از غیر مالزیایی باشد. این اصلاحیه همچنین به وزیر کشور این قدرت را داد تا در صورت لزوم، گواهینامه سالانه را رد، تعلیق یا لغو کند.

دولت مالزی در ماه مه ۱۹۸۴، خبرگزاری ملی مالزی (برناما) را به عنوان تنها منبع توزیع کننده اخبار از تمامی خبرگزاریهای خارجی از جمله تصویر و عکس از این خبرگزاریها دانسته و دسترسی مستقیم مشترکان به خبرگزاریهای خارجی را ممنوع کرد. از این تاریخ بعد، روزنامه ها و نشریات بر اساس این ابلاغیه دولت، باید از برنامه نیازهای خبری و تصویری - عکسی از منابع خارجی را دریافت کنند.

قانون مطبوعات ۱۹۸۴ بار دیگر در ماه ژوئن همین سال اصلاح شد تا موضع دولت برای کنترل نشریات خارجی و داخلی را تقویت کند. این اصلاحیه اختیارات گسترده ای را برای وزیر کشور فراهم می آورد تا بر تخلفات نشریات نظارت کرده، اعتبار مجوزها را در زمانهای مختلف لغو کرده و نشریات ایالتها را نیز زیر نظر داشته، محازاتها و جریمه ها را افزایش داده و برخی پناه های قانونی آنها را بردارد. این قانون از ژانویه ۱۹۸۵ به اجرا در آمد.

پارلمان مالزی در دسامبر ۱۹۸۷ اصلاحات (محدودیتها) جدیدی بر قانون مطبوعات مکتوب و انتشارات ۱۹۸۴ وارد آورد. در اصلاحات جدید، تاکید و تایید بر روی ناشران و صاحبان امتیاز (دارنده گواهینامه) است که در صورت تخلف در نشریات باید پاسخگو باشند.

قانون مطبوعات مکتوب و انتشارات سال ۱۹۸۴

این قانون تمامی رسانه های مکتوب در مالزی را موظف می کند تا برای انتشار روزنامه و نشریه گواهینامه گرفته و از کلیه مقررات سرسختانه آن پیروی کند. گواهینامه یا مجوز باید هر ساله تمدید شده تا بتواند در مالزی چاپ شود. در این قانون وزیر کشور قدرت اصلی را برای تصمیم گیری در مورد رسانه های مکتوب را داشته و در صورت رد، تعلیق یا لغو امتیاز روزنامه ها و نشریات در برابر هیچ مقام یا دستگاهی پاسخگو نیست.

وزیر کشور این قدرت را نیز دارد که به بهانه در خطر افتادن منافع امنیت ملی یا ایجاد آشوبهای اجتماعی، انتشار روزنامه ها را ممنوع کند.

طی چند سال اخیر و با گسترده تر شدن بکارگیری اینترنت و سامانه های مختلف اینترنتی به ویژه راه اندازی سامانه های خبری، مقامات مالزیایی این بحث را مطرح کرده اند که باید قانون مطبوعات مکتوب و انتشارات ۱۹۸۴ شامل این سامانه ها شود اما هنوز تصمیمی در این زمینه گرفته نشده است.

مقایسه قانون مطبوعات ایران و مالزی

- همانگونه که مشاهده می شود روند قانون مطبوعات در ایران و مالزی فرآیندی تحدید کننده داشته و هر چه زمان گذشته است ، آزادی مطبوعات در دو کشور محدودتر شده است .

- گرچه قانون تحدید کننده آزادی بیان و مطبوعات و انتشارات در مالزی به زمان سلطه استعماری انگلیس بر مالزی بر می گردد اما این روند در دوره پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۵۷ ادامه داشته و به مرور زمان تشدید شده است. این وضعیت در مورد ایران نیز صدق می کند.

- در حالیکه پیش از مشروطه جو تحدید کننده در مطبوعات ابتدا کم و بعد رو به افزایش گذاشت و در دوران مشروطه نیز با گذشت زمان آزادی مطبوعات تنگ تر شد. این شرایط پس از انقلاب اسلامی ایران نیز سیری تحدید کننده داشته و در اسفند ۱۹۷۹ به اوج تحدید کنندگی رسید.

- قانون اساسی مالزی و ایران ، بر آزادی بیان و اظهار نظر که شالوده آزادی مطبوعات است تاکید کرده اند اما در هر دو قانون اساسی نیز بر تعیین حد و حدود آن از سوی قانون اشاره شده است.

- البته در قانون مطبوعات ایران ، قوه قضاییه نقش اصلی و هیات نظارت بر مطبوعات نقش فرعی در لغو و توقیف مطبوعات را دارد اما در مالزی ، این تنها وزیر کشور است که درباره وضعیت مطبوعات ، رد ، تعلیق یا لغو امتیاز و تعطیلی آنها تصمیم می گیرد.

- در دو کشور ایران و مالزی ، برای انتشار روزنامه و یا هر نشریه ای باید ابتدا مجوز گرفت . البته در مالزی این گواهینامه و مجوز هر ساله باید تمدید شود اما در ایران پس از صدور مجوز ، نیازی به تمدید مجوز نیست و در صورتیکه تخلفی از نشریه ای سر نزنند ، این نشریه می تواند بکار خود ادامه دهد.

- در ایران ، برای رسیدگی به تخلف رسانه های مکتوب ، دادگاه مطبوعات با حضور هیات منصفه برگزار می شود اما در مالزی ، وزارت کشور است که تصمیم گیرنده بدوی و نهایی است.

- در مطبوعات ایران و مالزی ، یک جو خود سانسوری وجود دارد که ناشی از بیم مدیران مسئول و دست اندرکاران مطبوعاتی از در مخاطره افتادن تعلیق ، توقیف و تعطیلی است که البته این وضعیت در نشریات مالزی بیشتر به چشم می خورد زیرا آزادی آنها براساس قانون محدودتر بوده و همواره خطر را در چند قدمی خود احساس می کنند.

- با توجه به جمعیت چند نژادی و چند مذهبی در مالزی به ویژه وجود مسلمانان مالایی تبار ، بوداییهای چینی تبار و هندوهای هندی تبار ، دولت با اکثریت مسلمان این کشور همواره تلاش داشته است که به دلیل برخی شکنندگیها ، از ایجاد هرگونه ناآزادی و درگیریهای قومی که دارای سابقه است ، جلوگیری کند. در ایران نیز گرچه چنین شرایطی حاکم نیست اما ویژگیها و موقعیت راهبردی کشور و وابسته نبودن به قدرتهای بزرگ ، سبب شده است تا نگرانیهای مسئولان کشور ، وضعیت تحدید کننده ای برای رسانه های مکتوب ایجاد کنند.

منابع

- قانون اساسی جمهوری اسلامی

- قانون اساسی مالزی

- حقوق مطبوعات در ایران ، معتمد نژاد، احمد

- قانون مطبوعات و سیر تحول در حقوق ایران ، اسماعیلی ، محسن

<http://www.kempen.gov.my/coci/mypress.htm>